



تحقق پذیری حقوق شهروندی در ساختار بازارهای اسلامی-ایرانی با تاکید بر حق عبور و مرور

راضیه لبیبزاده

استادیار گروه معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

حقوق شهروندی از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر مورد به عنوان مفهومی نوین معرفی می‌شود، اما با بررسی برخی از مصادیق معماری اسلامی-ایرانی می‌توان استنباط کرد «پرداختن به حقوق شهروندان» همواره مطمح نظر معماران سنتی ایران بوده است. بنابراین هدف مقاله پیش‌رو خوانش تطبیقی مفاهیم حقوق شهروندی با تاکید بر «حق آمد و شد آسان» در «ساختار کلی» بازارهای سنتی اسلامی-ایرانی است. برای دستیابی به این هدف در مرحله اول با استفاده از روش تحلیل محتوا حقوق شهروندی و راهبردهای احقاق آن مشخص شده و در مرحله دوم با استفاده از روش مصداق پژوهی ساختارهای کلی بازارهای اسلامی-ایرانی مورد تدقیق قرار گرفته است، در مرحله سوم پژوهش با استفاده از روش استدلال منطقی، راهبردهای کالبدی احقاق حقوق شهروندان در ساختار بازارها استنباط و معرفی شده است. براساس یافته‌های پژوهش مشخص توجه به حقوق شهروندی در جامعه اسلامی ایران سابقه‌ای طولانی دارد، به صورتی که فارابی (معلم ثانی) در آثار خودش مبانی مدونی برای آن تدوین کرده است، اما در دوران معاصر مبانی حقوق شهروندی مباحث گسترده‌تری از جمله ابواب اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امثالهم را شامل می‌شود، در این میان «حق عبور و مرور» به عنوان یکی از حقوق اجتماعی-شهروندی کیفیاتی شامل ادراک فضایی، خوانایی، نفوذپذیری و دره‌متنیدگی را برای فضای شهری محقق می‌نماید، این کیفیات بخش مهمی از حق آمد و شد آسان در فضاهای معماری و شهری را فراهم می‌نمایند. مطابق با یافته‌های مرحله دوم و سوم مشخص شد که گستردگی فضاهای بازار اسلامی-ایرانی و تعاریف فضایی آن علاوه بر آنکه عملکردها و کارکردهای بخصوصی را متصور است، موجب شده تا کیفیات چهارگانه مذکور در فضای بازار تجلی یافته و آمد و شد ارباب رجوع به بازار تسهیل گردد.

واژگان کلیدی: حق شهروندی، حق عبور و مرور، بازار، معماری اسلامی-ایرانی.

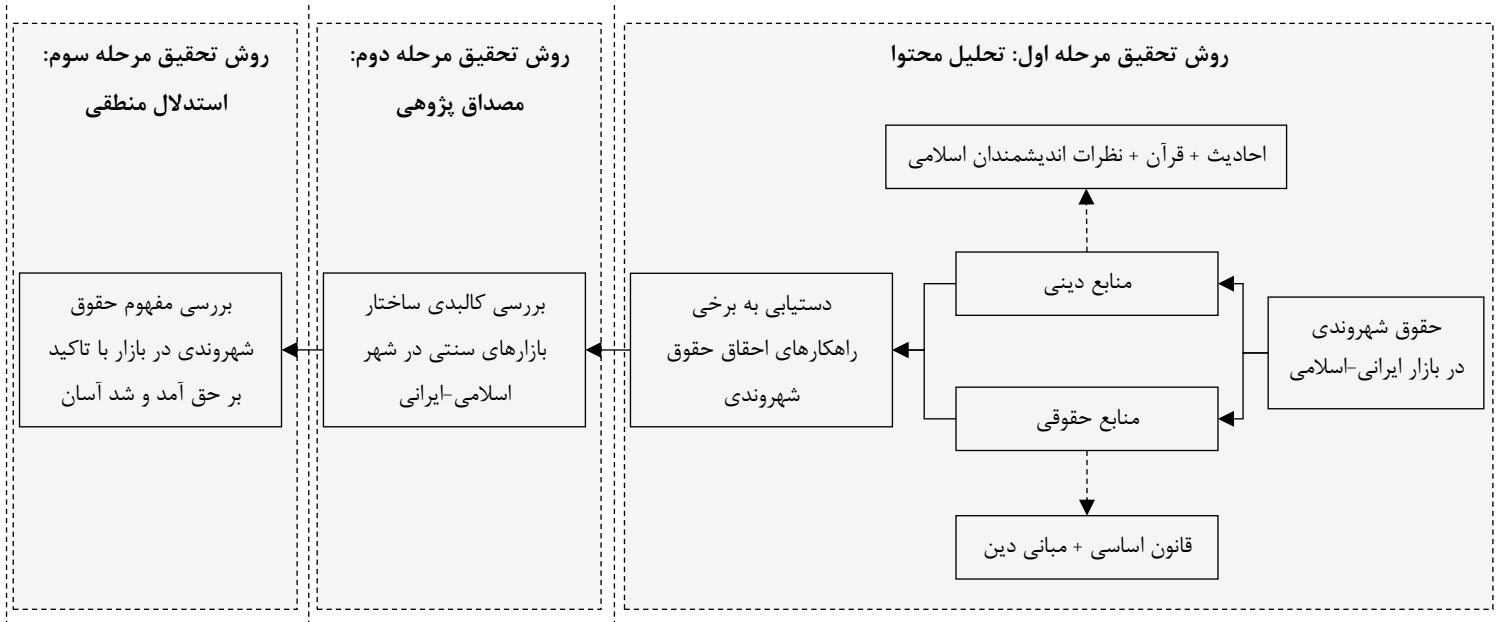


مقدمه

در طول تاریخ به همراه رشد و پیشرفت جوامع، مفاهیم و مسائل جدیدی نیز ظهور کرده است، مفاهیمی مانند «تولید»، «زندگی گروهی»، «یکجانشینی»، «کشاورزی»، «تغذیه» و تمام واژه‌های مشابهی که وابسته به زندگی بشریت هستند و در طول زندگی به وجود آمده‌اند، که حاصل آن‌ها را می‌توان «تمدن» نامید. تمدن به هر جامعه پیچیده، که دارای ساختارهای یکجانشینی، طبقه‌بندی اجتماعی، تشکیلاتی از مدیریت اجتماعی و سامانه نمادین ارتباطی باشد گفته می‌شود (متروپولسکی، ۱۳۸۳). با رشد و پیشرفت تمدن‌ها، مفاهیم پیچیده‌تری مانند نظام‌های حکومت، قلمرو، کشور، قدرت و قدرت‌طلبی به وجود آمد و دنیایی از تضادها را ایجاد نمود، در آیین تاریخی، انسان، خوبی‌ها، بدی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها، ستمگری‌ها و عدالت‌ورزی‌ها را مشاهده کرده و با عصر برده‌داری، جنگ و کشتار گسترده بی‌گناهان مواجه بوده است. مقابله با این مفاهیم با حرکت از کثرت به وحدت در عرصه جهانی و تشکیل اتحادیه‌های قاره‌ای، منطقه‌ای و پیمان‌های چندجانبه ممکن شد تا ملت‌ها به یکدیگر نزدیک شوند، نابرابری‌ها از جوامع زدوده شود و «عدالت» برقرار گردد. به بیانی دیگر می‌توان گفت شرط تحقق عدالت در هر جامعه، احقاق حقوق افراد آن جامعه در تمام سطوح خرد تا کلان است. این موضوع باعث می‌شود که شهر از یک پدیده صرفاً کالبدی و یا جغرافیایی خارج شده و حوزه گسترده‌ای از مسائل را در برگیرد، از همین رو عرصه فعالیت‌های شهری بتدریج از حوزه «شهرنشینی» به سمت «شهروندی» معطوف است، در واقع با رشد شهرها مفاهیم شهروندی در مسیر تکامل و تثبیت قرار گرفته و تکمیل می‌گردد (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). مباحث فراوانی در مورد حقوق شهروندی در منابع غربی صورت گرفته است (Graig, 2003; Martin, 1977; Barker & Padfield, 2002; Zweigert & Kotz, 1998) شهروند براساس تعاریف اسلامی دارای حقوق و تکالیفی بوده که دارای تأثیراتی بر ساختار و محتوای شهر است. به نظر می‌رسد که با رجوع به معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی و بازشناسی و خوانش آن، می‌توان برخی از راهکارهای ایجاد حقوق شهروندی در ساختار شهر ایرانی-اسلامی را مورد شناسایی قرار داد. مسئله حقوق افراد از جمله مسائل موکد در اسلام است که با عنوان «حق الناس» از آن یاد می‌شود، در این باب می‌توان به روایتی از پیغمبر اکرم اشاره کرده که با تعبیر دیگری فرموده‌اند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» تمام افراد شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و دیگران هستید و تمام شما نسبت به تمام خودتان مسؤولید. تعبیری از این بالاتر نمی‌توان کرد، یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسؤولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی (مطهری، ۱۳۷۹). به نظر می‌رسد که با رجوع به معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی و بازشناسی و خوانش آن، می‌توان برخی از راهکارهای ایجاد حقوق شهروندی در ساختار شهر ایرانی-اسلامی را مورد شناسایی قرار داد. با توجه به مسئله بیان شده، هدف این مقاله «خوانش راهکارهای احقاق حقوق شهروندی با تأکید بر حق آمد و شد آسان در فضاهای شهری با تأکید بر فضای تجاری شهر (بازار) است» برای دستیابی به هدف تعاریف، زمینه‌ها و راهکارهای احقاق حقوق شهروندی ارائه شده و سپس نحوه تجلی آن در ساختار بازارهای اسلامی-ایرانی مطالعه گردد. فضای بازار یکی از مهم‌ترین تعاملی‌ترین فضاها در شهر اسلامی است، به صورتی که برخی از اندیشمندان، شهر اسلامی را وابسته به بازار آن تعریف می‌نمایند، بنابراین این فضا می‌تواند بستری مناسب جهت بررسی تجلی حقوق شهروندی در شهر اسلامی-ایرانی مد نظر قرار گیرد.

روش تحقیق

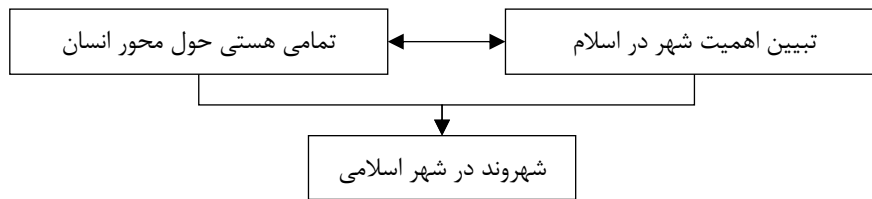
با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی راهکارهای احقاق حقوق شهروندی در شهر اسلامی-ایرانی با تأکید بر فضای بازار و حق عبور و مرور آسان اعلام شد، برای دستیابی به این هدف در مرحله اول با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تعاریف دسته اول از حقوق شهروندی بررسی شده و زمینه‌های شکل‌گیری آن معرفی می‌گردد، همچنین انواع راهکارهای احقاق حقوق شهروندی در شهر نیز معرفی خواهد شد. در مرحله دوم پژوهش با استفاده از روش «مصادق پژوهی» ساختار کالبدی بازارهای اسلامی-ایرانی «به صورت کلی» معرفی خواهد شد. نگرش کلی این مرحله روایی تحقیق را افزایش خواهد داد. در مرحله سوم با بکارگیری روش «استدلال منطقی» سعی در کشف مفاهیم حقوق شهروندی در ساختار کالبدی بازار شده است بنابراین رویکرد مرحله سوم «مفهوم در مصادیق» است. در نمودار ۱ می‌توان ساختار و روش پژوهش را مشاهده کرد.



نمودار شماره ۱. ساختار و روش تحقیق

حقوق شهروندی در اسلام

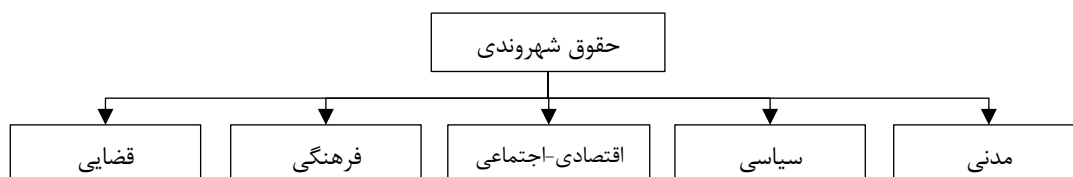
قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، کارآمدترین کتابها برای سعادت و بهروزی است که در تمامی شئون زندگی انسان، راهنما و کارگشا می باشد. کتابی که کرامت واقعی را به انسان عطا می کند، در آن هیچ انحرافی نیست و انسان را از ظلمات جهل، شرک و تفرقه نجات می دهد. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانت دار خدا و مسؤول خویش و جهان، مسلط بر طبیعت و... از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است؛ حق بهره گیری مشروع از نعمت های خدا به او داده شده، ولی در برابر خدای خویش وظیفه دارد (مطهری، ۱۳۸۷). بنابراین تعریف، از منظر اسلام، شهروند دارای حق و تکلیف است، به عبارت دیگر دو عنصر تشکیل دهنده شخصیت انسان «حق و تکلیف» می باشد. یعنی نظام اسلامی به همان اندازه از نظر دینی، سیاسی و اجتماعی تکالیفی را بر عهده انسان نهاده است، در مقابل آن مجموعه تعهداتی بنام «حقوق» در مقابل او برعهده دارد که اولین آن حق «حیات» است (احمدیان، ۱۳۸۶). چون تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد. یعنی جان و حیات انسان محترم و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. و در باور و عقیده اسلامی، انسان بقدری محترم و ارزشمند است که فلسفه وجود هستی بخاطر انسان است. «خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده های روی زمین را برای شما آفریده.» (بقره، ۲۹) این مخلوق با کرامت، حق حیات از مسلم ترین حقوق اوست، و سلب حق حیات از او جایز نیست؛ سلب حق حیات یک فرد قتل تمام بشریت است. یعنی کشتن شخصی در جامعه انسانی، مرگ همه است؛ (مائده، ۳۲) تعدادی دیگر از آیات به طور مستقیم و با یکی از ویژگی های حقوق شهری و مراکز جمعیتی ارتباط دارند. خداوند متعال در دو نوبت، در خصوص حقوق شهر و حرمت، به شهر سوگند یاد می کند: «من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را - که خداوند آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست - پرستش کنم و امر شده ام که از مسلمانان باشم» (نمل، ۹۱)، «قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده ای» (بلد، ۱ و ۲). در این آیات - که در شهر مکه نازل شده است - مشاهده می شود که شهر می تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند. شهر تجلی گاه اصول و ارزش های فرهنگی و مورد باور انسان است، جهان بینی سازنده خویش را معرفی می کند و به اهدافی که اهلش برای خود قائل هستند گواهی می دهد (نقی زاده، ۱۳۸۵). با توجه به این موضوع که تمام هستی حول محور انسان و حق حیات او شکل گرفته و با توجه به اهمیت و تقدس شهر از نظر قرآن، می توان چنین استنباط کرد که تجمیع آن ها پدیدآورنده موضوع شهروند باشد (نمودار ۲)، بنابراین به نظر می رسد که نخستین دلیل برای پیدایش و



نمودار ۲. تاکید بر مفهوم شهروندی از دیدگاه قرآن، بنابر نظر قرآن تمامی هستی حول محور انسان شکل گرفته و شهر محل سکونت دارای جایگاه مقدسی است.

شکل گیری شهرها توجه به حق حیات و زندگی شهروندان بوده است، این افراد نسبت به هم دارای تکالیف و حقوق متقابلی هستند که تحت عنوان حقوق شهروندی قابل بیان است.

علاوه بر قرآن، نهج البلاغه میراثی شکوهمند در تمدن اسلامی است که درک صحیح از عمق مفاهیم و مضامین آن، الگوهای بی بدیلی در رهیافت حقوق شهروندی پیش روی دیدگان اهل تحقیق می نهد. این کتاب با نگاهی فراگیر در این مقوله، مفاهیم مختلفی را در نامه ها، حکمت ها و خطبه ها، ناظر به حقوق شهروندی، مشهود می سازد. دریافتی که از این مفهوم در نهج البلاغه به دست می آید، همان هدف و غایت اجرای حقوق شهروندی در نگاه حضرت علی (ع) است که زدودن غبار جهل از چشمان بشر و اشارت بر کوره راه بی عدالتی برای راست نمودن کجی های رهیافته در حق می باشد. موضوع حقوق اجتماعی، انصاف، مساوات و مبارزه با ظلم و ستمگری و تجاوز، از موضوعاتی است که در نهج البلاغه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در کلام حضرت علی توصیه های فراوانی برای جامعه انسانی بیان شده است. یکی از این جلوه های بی همتا که می توان آن را از مبانی اصیل حقوق شهروندی در رویکرد اسلامی به شمار آورد، حضرت علی (ع) در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می فرماید: «این فرمانی است از علی امیرالمؤمنین به مالک اشتر فرزند حارث در پیمانی که با او می بندد. هنگامی که او را به حکومت مصر می گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورده و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در خطبه چهلم که خطاب به خوارج ایراد شده، به مباحث مهمی درباره حکومت و ضرورت آن و از جمله هفت وظیفه حاکم عادل الهی اشاره می کند: به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری می گردد، تا هزینه های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم شود (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) بنابراین به نظر می رسد که از آغاز حاکمیت اسلام، به امور شهروندان فارغ از دین و نژاد و علایق شخصی توجه وافر شده و براین اساس کالبد شهرها به عنوان بستر حاکمیت شکل گرفته باشد، تاکید حضرت علی (ع) بر کارهای عمرانی و اصلاح و آبادی شهرها دارای جنبه های گوناگونی است که همانا می توان به حق منظر و آرامش شهری اشاره کرد. بنابراین به نظر می رسد اسلام علاوه بر تأکیدات فراوان بر حقوق شهروندی مثل حق کرامت انسانی، آزادی بیان، حقوق اجتماعی و سیاسی و ... دارای مباحث در باب حقوق شهروندی و حق شهری مثل حق آرامش و حق منظر باشد و این حقوق باید به وسیله عواملی کالبدی در سطح شهر مورد احقاق قرار گیرد. علاوه بر منابع اصیل اسلامی، منشور حقوق شهروندی برآمده از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت غیر مستقیم از منابع دسته اول دین استخراج شده است، این منشور برآمده از اصل ۱۳۴ قانون اساسی و ناظر به حقوق فطری انسان، سلب ناشدنی است و غیر قابل تخلف است (دستمالچیان، ۱۳۹۰) این بدین مفهوم است که از نظر اصول اسلامی این حقوق مرتبط با حقوق فطری انسان است؛ و رعایت آن لازم است. مفهوم اصلی حقوق شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان ها در بخش کلان جامعه است (حمزه لویی، ۱۳۹۰). حقوق شهروندی، حقوق انسان به جهت زندگی در اجتماعی معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می تواند به گونه های متفاوت تعریف شود. این حقوق شامل حقوق مدنی، انسانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی است (نمودار شماره ۳)، (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲).



نمودار ۳، مباحث گوناگون در حقوق شهروندی، مأخذ: بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲.

این مقاله حقوق شهروندی با تکیه بر حق آمد و شد آسان مورد بررسی قرار خواهد داد، با توجه به این موضوع که منشور حقوق شهروندی برآمده از قانون اساسی می باشد و با توجه به اینکه قانون اساسی برآمده از اصول اسلامی است، می توان بیان کرد که بررسی حقوق شهروندان از دیدگاه منشور حقوق شهروندی دارای اصالتی مبتنی بر اصول اسلامیست.

مفهوم حقوق شهروندی

برای درک درست شهروندی، نخست، باید از معنای حقوق شهروندی در زبان فارسی آغاز کرد تا با رفع ابهامات موجود به معنای واقعی این واژه نزدیک شد. این معنا پس از طرح توسط مارشال در سال های هفتاد میلادی و پس از آن با اصلاحاتی مواجه شد، که برای فهم معنای امروزی این واژه توجه به آن ها ضروری است. با انجام این مرحله می توان عناصر حقوق شهروندی را با تأکید بر حقوق شهرنشینی بازخوانی نمود. از آنجا که تفاوتی در معنای شهر در زبان فارسی و تمدن فارسی و جامعه ی غربی وجود دارد، می بایست با طرح مختصر شکل گیری معنای شهر مدرن در آثار جامعه شناسانی چون وبر و معنای شهر ایرانی در نظر متخصصینی چون پرویز پیران، این تفاوت ها را پررنگ کرد. اما از سوی دیگر موجی از نظریه پردازان انتقادی حقوق شهروندی هستند که می توان از آرای آنان در این بازسازی یاری جست. این متفکرین اجتماعی به این طریق از کالبد مادی شهر به حقوق شهروندی رسیدند. دامنه ی این متفکرین از میشل فوکو تا هانری لوفور گسترده است و تا دیوید هاروی و ادوارد سوچا پیش می آید. در این مرحله می توان معنای مشخصی از حقوق شهرنشینی در درون مفهوم حقوق شهروندی پررنگ کرد (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). برای بازسازی حقوق شهروندی می توان مفهوم حقوق شهرنشینی را در آن پررنگ کرد. به این معنا آنچه در پیمایش حقوقی کار باید مبنای دامنه یابی تحقیق باشد، و مواد قانونی مرتبط با آن مورد جستجو قرار گیرند، احتمالاً بیش از هرچیز با حقوق شهرنشینی هم نشینی دارد.

انقلاب مشروطه مسیر قانون گذاری در ایران را هموار ساخت. این گذار صد ساله با وجود پشت سر نهادن تحولات عمیق اجتماعی-سیاسی چندان دستخوش بازنگری و نوگرایی در محتوای مفاهیم حقوقی نگردیده و کمتر تلاشی به منظور ساماندهی به مفاهیم موجود با رویکرد کاستن از آشفتگی ها در فرهنگ حقوقی صورت گرفته است. مهم ترین پیامد این نقصان، ناتوانی در همگامی و همراهی ساختار حقوقی و زبان حقوقی ایران با تحولات جهانی «حق» ها و در نتیجه عدم برخورداری از ظرفیت لازم برای پذیرش، تبیین و بسط مفاهیم نوظهور برآمده از نیازها و مطالبات فزاینده ی جوامع انسانی است. ادراک انسان از مفهوم حق با توجه به تحولاتی تاریخی آن نیازمند بازخوانی و سامان بخشی دوباره است. افزون بر آن، جامعه نیازمند مفاهیم نوین حقوقی است تا معماری قدرت و روابط اشخاص را به نحو مطلوب تری ساماندهی نماید. بنابراین به کارگیری رویکردهایی که از یک سو محتوای حق ها را شفاف تر نماید و از سوی دیگر به تبیین دستگاه مفاهیم و ضمانت اجرا و حمایت های خاص مفاهیم نو منجر گردند، می توانند نخستین گام در مسیر کارآمد و مؤثرتر کردن حق ها به شمار آید (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). «شهروندی» و «حقوق شهروندی» و مفاهیم مشتق از آن ها نظیر «حقوق شهرنشینی» در زمره ی مفاهیمی هستند که بیش از دو دهه از عمر آنان در نظام حقوقی ایران نمی گذرد. نکته حائز اهمیت در خصوص این مفاهیم وجود دارد و آن این است که به رغم نوظهور بودنشان، در سال های اخیر (دهه ۱۳۹۰ خورشیدی) در گفتمان سیاسی-حقوقی با اقبال گسترده ای مواجه شده اند. تعریف دقیق و شفافی از این مفاهیم، علی رغم، کثرت استفاده آن ها ارائه نشده است بازتاب متون قانونی از حقوق شهروندی یکسان نیست. در واقع به نظر می رسد رویکردهای موجود نسبت به این دو مفهوم توأم با فراز و فرودهای شدیدی بوده است که می توان دامنه ی آن ها را از انکار و نادیده انگاری تا بزرگنمایی مورد شناسایی قرار داد. در حقیقت در نگاه به حقوق شهروندی به طور کلی می توان دو رویکرد تقلیل گرا (جزئی نگر) و جامع گرا (کلیت نگر) را در ایران به وضوح مشاهده کرد (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶).

مورد دیگری که در اینجا ضرورت مطرح کردن آن به دلیل نوپا بودن و نیز پیوندی نزدیک میان آن و موضوع پژوهش وجود دارد، برداشت شهرداری ها از مفاهیم شهروند، حقوق شهروندی و شهروند مداری است که در آن تأکید بر بعد اخلاق شهروندی بیش از تکالیف و حقوق شهروندی دیده می شود. در این ارتباط ضروری است تا به درستی تفکیکی میان اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی گذاشته شود. در واقع اخلاق شهروندی عبارت است از مقتضیاتی شهری که فرد باید آن ها را برای زندگی آرام رعایت کند؛ برای نمونه، رفتار درست در ترافیک، فرهنگ آپارتمان نشینی، تفکیک زباله، رعایت بهداشت محیط و... این در حالی است که در چارچوب حقوق شهروندی، شهروندان مکلف

به رعایت مقرراتی هستند که از سوی قانون‌گذار به منظور تنظیم رابطه‌ی افراد و حاکمیت در حوزه‌ی عمومی تدوین شده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد که آنچه در فضای شهری ما تحت عنوان رعایت و احترام به حقوق شهروندی مطرح شده، ادب شهروندی است نه حقوق شهروندی (اردبیلی، ۱۳۸۶). این در حالی است که حقوق شهروندی خود متشکل از مولفه‌های نسبتاً مستقلی با مبانی و ساختارهای متفاوت تفکیک و جدایی عناصر تشکیل دهنده‌ی مفهوم شهروندی نه تنها بر حسب بازشناخت و تمایز تحلیلی میان حق‌ها بلکه همچنین نظر به کاربست‌ها و شیوه‌های اجرایی همراه با هر مجموعه از حقوق، تاثیرات و نتایج کاملاً متفاوتی را بر روابط اجتماعی و سازمان‌های اقتصادی سیاسی جامعه می‌گذارند. از این رو لزوم تفکیک حقوق شهروندی از سایر حقوق و نیز پرداختن به روابط درونی خود حقوق شهروندی مطرح می‌گردد، که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. نخست سیر تاریخی این موضوع در خاستگاه آن یعنی تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی و اقتصادی جوامع غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا معیار مناسبی به منظور واکاوی جامعه‌ی ایرانی و ساختارهای حقوقی- سیاسی آن از منظر حقوق شهروندی حاصل شود.

شهروندی در سده‌ی اخیر به طور گسترده‌ای مورد توجه مطالعات جامعه‌شناسی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً «وبر» و «دورکیم» قائل به نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده‌ی شهروندی هستند که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی منجر می‌گردد. در آثار این دو نظریه پرداز است که شکل‌های عقلانی (وبری) و نیز مدنی-عرفی (دورکیمی) شهروندی معنا پیدا می‌کند. در این میان نگاه «کارل مارکس» به دلیل تبعیت از نظریه اجتماعی-سیاسی خاص وی متمایز می‌گردد. نگرش مارکس به شهروندی به نوعی مشارکت سیاسی تمام عیار غیر بورژوایی در یک جامعه‌ی مدنی انقلابی است که فقط پس از فروپاشی جامعه‌ی سرمایه‌داری امکان تحقق پیدا خواهد کرد. مسیر شهروندی از سوی جامعه شناس انگلیسی «ت. اچ مارشال» بر شالوده‌ی اندیشه‌های وبر، دورکیم و مارکس ادامه می‌یابد. طرح مارشال، آغازگر رویکرد جامعه شناسی- تاریخی شهروندی است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳). به باور ترنر اهمیت نقش مارشال در ترسیم و گسترش مفاهیم شهروندی و حقوق شهروندی صرف نظر از تمامی کاستی‌ها و انتقادات، در جایی قرار دارد که وی ادعا می‌کند می‌توان اثرات منفی سرمایه‌داری را از طریق باز توزیع منابع بر مبنای حقوق و استحقاقات افراد تعدیل کرد و در نتیجه تنش دائمی میان اصول برابری و عدالت و نابرابری‌های دو مؤلفه‌ی ثروت و درآمد را که ویژگی اصلی بازار سرمایه‌داری است، کاهش داد (Turner, 2001). ویژگی خاصی که شهروندی را در اندیشه‌ی مارشال از شهروندی مدرن، که پس از او و در پی تحولات عمیق سیاسی-اقتصادی-تکنولوژیک جهان معاصر پا به عرصه نهاد، متمایز می‌سازد توجهی ژرف به ماهیت طبقات اجتماعی در جامعه‌ی سرمایه‌داری در ترسیم مفهوم شهروندی و نهادهای آن از سوی وی است. از این‌روست که حل چالش موجود میان طبقات اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی از یک سو و ضرورت تقویت تعهدات اجتماعی-سیاسی همه‌ی اعضای جامعه به نظام اجتماعی از سوی دیگر، اساسی‌ترین دغدغه‌ی مارشال را تشکیل می‌دهند. در حقیقت اندیشه‌های مارشال، پاسخی است به معضلات سرمایه‌داری قرن نوزدهم، یعنی تنش‌ها و چالش‌های میان نظام سیاسی دموکراتیک و نظام اقتصادی نابرابر (Turner, 2001).

عامل دیگری که در شکل‌گیری اندیشه‌های مارشال تأثیر چشم‌گیری داشت، ناشی از تحولات پس از پایان جنگ جهانی دوم و در فضای بازسازی ویرانی‌های به جای مانده از جنگ و آغاز جنگ سرد است. به طور کلی جریان‌های فکری رایج در فضای آن زمان توانایی رقابت در زمینه‌ی حقوق اقتصادی-اجتماعی با بلوک شرق را برای بلوک غرب فراهم آورد. در واقع جامعه‌ی سرمایه‌داری توانست با اتکا به نظریات کینز و مارشال نارضایتی از سطح عمومی رفاه را بدون دست بردن در مواضع ایدئولوژیک خود کاهش دهد. اما این امر در اندیشه‌های مارشال بار دیگر نظام ثبت ملی را مهم کرد. در چنین نظامی تابعیت فرد به دولت ملت بیش از پیش مایه‌ی بهره‌مندی از حقوق شهروندی است. این شکل ناسیونالیسم نه تنها معارض با نظام سرمایه‌داری در دوران جنگ سرد نبود که حتی می‌توانست به خوبی با آن سازگار شود. اما با فروپاشی جبهه‌ی شرق، مسئله، شکل دیگری به خود گرفت (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). از این متن چنین اقتباس می‌شود که در هنگام جنگ سرد، حقوق شهروندی ابزاری دولتی برای جذب تفکرات و آرای شهروندان بوده است، بدین معنا که این حقوق منجر به علاقه افراد به دولت‌های مطلوب‌شان می‌شده است. بر اساس آنچه تاکنون از آرای مارشال از نظر گذشت، ترنر تفسیر خود از شهروندی مارشالی را با تأکید بر کار ویژه‌ی آن در جوامع مدرن، ابتدا شکلی از حمایت قانونی یا اجتماعی از افراد در برابر هوسبازی‌ها و ناملايمات بازار می‌داند

که به مسائلی چون محروم سازی و به حاشیه راندن گروه‌هایی چون اقلیت‌های نژادی، زنان، مهاجران، کودکان و معلولین می‌پردازد و همچنین از شهروندی به عنوان عامل ایجاد همبستگی اجتماعی بر پایه‌ی روابط همگانی دو سویه از حقوق و تکالیف یاد می‌کند. البته ترنر با افزودن بُعدی جامعه شناختی به نظریه‌ی مارشال نتیجه می‌گیرد که با سکولار شدن جوامع مدرن غربی، شهروندی پیوندهای میان نسلی جدید وفاداری و تعهد خارج از خانواده را در جامعه ایجاد می‌کند و به نوعی شکل دهنده‌ی همبستگی جامعه‌ی مدرن به شمار می‌رود (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). ترنر (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان طرحی از یک نظریه‌ی شهروندی با دو مولفه‌ی جامعه شناختی نظریه‌ی شهروندی را مورد بازنگری قرار می‌دهد. شکل اجتماعی شهروندی که به نهادینه شدن حقوق شهروندی در جوامع مدرن در قالب فعال و منفعل می‌پردازد. ترنر در این جا دو الگوی متفاوت را ارائه می‌دهد. الگوی شهروندی از بالا به پایین که بر اساس آن نهادینه شدن شهروندی از سوی دولت به سمت جامعه صورت می‌گیرد و الگوی از پایین به بالا که در آن نهادینه سازی شهروندی با فشار جامعه و نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی روی می‌دهد. محور اجتماعی شهروندی که به این مسئله می‌پردازد که شهروندی بیشتر متمایل به شکل‌گیری در حوزه‌ی عمومی بوده است یا در حوزه‌ی خصوصی. این دو محور مختصات شهروندی را تعیین می‌کنند. مسئله‌ی دیگری که در این بازسازی نظری از سوی برایان ترنر طرح می‌شود مسئله‌ی شهروندی فرهنگی در کنار یا در مقابل سه نوع شهروندی مارشالی است. او با طرح این مفهوم می‌خواهد از تکرار موجود در فضای فرهنگی جوامع چند فرهنگی برای بازسازی هویتی که به جای هویت ملی، بر هویت فرهنگی تأکید می‌کند، استفاده کند در واقع او مفهوم اجتماع را بازسازی می‌کند و می‌خواهد نشان دهد همانطور که جامعه‌شناسی به مطالعه‌ی فرهنگی گرایش پیدا کرده است و دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی به گرایش‌های فرهنگی نزدیک شده است، شهروندی نیز می‌تواند بر این مبنا توضیح داده شود و از این رو جنبه‌ی ملی‌گرایی و ناسیونالیستی شهروندی مارشال را در پرتو تحولات اجتماعی-سیاسی-فرهنگی تقلیل می‌دهد. این بازنگری این امکان را برای ترنر فراهم آورد که بر خلاف مارشال که شهروندی را مفهومی یکپارچه قلمداد می‌کرد، اقدام به شناسایی سه الگوی متفاوت از دولت در برابر شهروندی نماید؛ بر این اساس وی سه مدل دولت لیبرال (با تأکید بر حقوق و آزادی‌های فردی و دولت منفعل)، دولت سوسیالیسم (که بر دولت فعال و بر وجود انسجام و کارکرد صحیح جامعه تأکید دارد)، دولت جمهوری خواه (اعم از رادیکال و جمهوری خواه که تأکید همزمان به نقش فعال فرد و دولت در جامعه دارند) را مورد شناسایی قرار می‌دهد. ترنر، در کنار این طبقه‌بندی، شهروندی را همچنین بازتاب دهنده‌ی تفاوت‌های ژرف در تجربه‌های تاریخی مشارکت سیاسی می‌داند و بر همین اساس سه تجربه‌ی تاریخی اساساً متفاوت شهروندی را از یکدیگر تفکیک می‌کند (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). در جدول شماره ۱ می‌توان خلاصه‌ای از دیدگاه‌های اندیشمندان در حوزه حقوق شهروندی را مشاهده کرد.

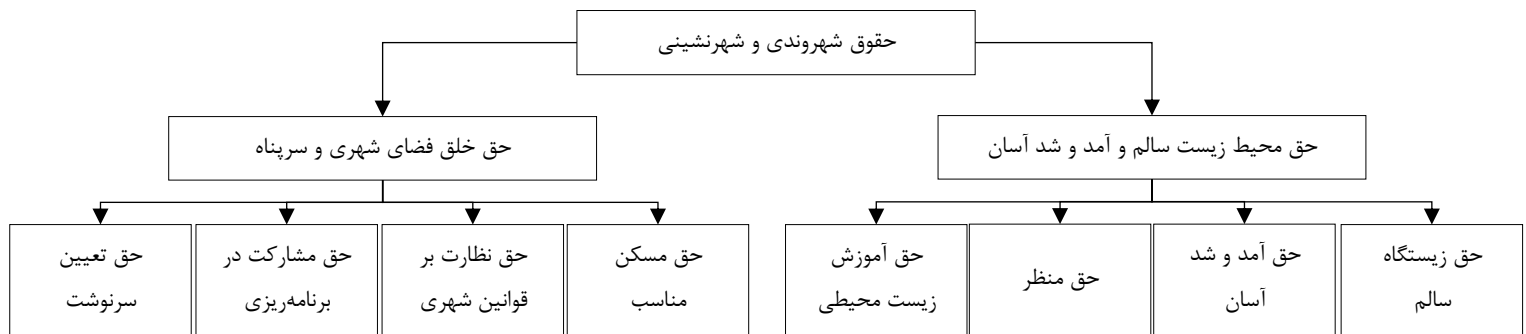
جدول ۱. نظریه اندیشمندان در خصوص حقوق شهروندی

نام نظریه پرداز	خلاصه نظریه
تی اچ مارشال	شهروندی منزلتی است که قرار گرفتن در آن به معنای پذیرفتن سه نقش مشارکت سیاسی، پذیرش رفاه اجتماعی و مسئولیت مدنی است. به این ترتیب شهروندی دارای سه دسته عناصر سیاسی، اجتماعی و مدنی است.
هانری لوفر	شهروندی به مثابه شهرنشینی است، تعیین کاربری اراضی شهری به خواست استفاده کنندگان تعیین می‌شود، نه مالکان و سیاستمداران و نخبگان سیاسی
مکس وبر	شهروند براساس عضویت، هویت یافتن و تعهد عقلانی اعضای جامعه تعریف می‌شود که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت احساس تعلق به جامعه است.
امیل دورکیم	تعریف شهروند براساس عضویت، هویت یافتن و تعهد مدنی و عرفی اعضای جامعه صورت می‌گیرد که منجر به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت احساس تعلق به جامعه می‌شود.
کارل مارکس	شهروند کسی است مشارکت سیاسی تمام عیار غیر بورژوازی در یک جامعه‌ی مدنی انقلابی دارد، این تعریف پس از فروپاشی جامعه‌ی سرمایه‌داری صادق است.
برایان ترنر	ارائه الگوی شهروندی از بالا به پایین که بر اساس آن نهادینه شدن شهروندی از سوی دولت به سمت جامعه و الگوی از پایین به بالا که در آن نهادینه سازی شهروندی با فشار جامعه و نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی شهروندی را تعریف می‌کند

راهکارهای عملی احقاق حقوق شهروندی

حقوق شهروندی و شهرنشینی در عین قرابت از یکدیگر متمایزند، اگرچه سال‌هاست که بحث‌های دامنه‌داری درباره حقوق شهروندی وجود دارد، اما نظریه حق شهرنشینی را نخستین بار هانری لوفور جامعه‌شناس فرانسوی مطرح کرد. در پاریس دهه ۱۹۶۰ میلادی جدایی طبقاتی باعث شده بود مهاجران فقیر بر مبنای ملیت‌شان به حاشیه رانده شوند، همین موضوع، اندیشه حقوق ساکنان برای کنترل فضا را به ذهن لوفور متبادر کرد، که در چندین اثر وی طی دهه ۱۹۷۰ میلادی و پس از آن طرح گردیده و منتشر شد. او بر این باور بود که تعیین کاربری زمین، حق مالکان زمین و نخبگان اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه این حق از آن افرادی است که تصمیمات در مورد کاربری زمین به طور مستقیم بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین از نظر لوفور حق شهرنشینی به کسی تعلق می‌گیرد که در شهر سکونت دارد و زندگی می‌کند. در این معنا اگر «حق شهروندی»، مبتنی بر عضویت در یک اجتماع سیاسی باشد، حق شهرنشینی مبتنی بر اشتراک در «سکونتگاه» است. کسانی از حق شهرنشینی بهره‌مند می‌شوند که در فضای شهری، زندگی و فعالیت می‌کنند؛ آنان حق خلق این فضا و تغییرات آن را خواهند داشت. از نظر لوفور در بحث «حق شهرنشینی» دو حق عمده را برای ساکنان مناطق شهری می‌توان در نظر گرفت: اول، حق تخصیص فضای شهری؛ و دوم، حق مشارکت در تولید فضای شهری (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶). ژان فرانسوا تریبلون، از دیگر اندیشمندان فرانسوی، مفهوم گسترده‌تری از حق شهرنشینی ارائه می‌دهد. از نگاه او این حق شامل موارد زیر است:

- حق مسکن مناسب؛
 - حق داشتن شغل؛
 - حق داشتن زندگی خانوادگی؛
 - حق برخورداری از امنیت در مقابل تعرضات؛
 - حق برخورداری از شهری زیبا، راحت و سالم با احترام به محیط زیست (طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۷).
- حقوق شهروندی، در جهانی که فرایند شهری شدن شتابان است، پراهمیت و تأثیرگذار است. شهرداران با بهره‌مندی از داده‌های این شاخه نوین حقوقی به روند نظم‌بخشی بهتر به شهرها، افزایش کیفیت زندگی شهرنشینان و احساس علاقه آنان به محیط سرعت خواهند بخشید. حقوق شهرنشینی از قید تابعیت رهاست و صرف نظر از نوع رابطه حقوق سیاسی و فرهنگی که اشخاص را به دولت خاصی وابسته می‌کند، شامل تمام ساکنان شهر اعم از تابعان یک کشور و مهاجران می‌شود. مطابق با همین دیدگاه، کریمی و کامیار برای احقاق حقوق شهروندی سیر «کل به جز» را در نظر گرفته‌اند، که شامل دو بخش کلی «حق خلق فضای شهری و سرپناه» و «حق بر زیستگاه سالم و آمد و شد



نمودار ۴. خلاصه‌ای از حقوق شهروندی در بخش شهرنشینی ماخذ: کریمی و کامیار، ۱۳۹۶

آسان» است. که اولی شامل حق تعیین سرنوشت، حق مسکن مناسب، حق مشارکت و نظارت در برنامه‌ریزی‌های شهری و دومی شامل حق زیستگاه سالم، حق آمد و شد آسان، حق آموزش و دسترسی به اطلاعات زیستی و حق منظر است (نمودار ۴).

حق آمد و شد آسان، نمودی از احقاق حقوق شهروندی

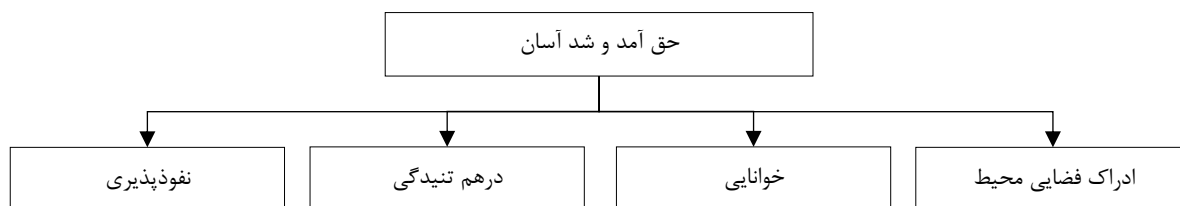
حق آمد و شد در دو معنی بکار می‌رود: الف) جابجایی و نقل مکان از جایی به جای دیگر، یا خروج از کشور و اقامت در بلاد دیگر ب) حق تردد آسان در معابر، گذرگاه‌ها برای طی مسافت مبداء تا مقصد (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶) بدیهی‌ست که منظور از حق آمد و شد آسان در

فضاهای شهری و معماری مورد دوم (ب) است، با توجه به اینکه معماری و شهرسازی بستر زندگی عموم مردم است، ضروریست که فضای مناسبی جهت انتفاع ایشان فراهم آورد.

حقوق شهروندی (و حقوق زیرمجموعه آن مانند حق آمد و شد آسان) از جمله مباحث نظری است که می‌تواند به طرق مختلفی ترجمه شود، اما با توجه به رویکرد این مقاله، می‌توان این حقوق را برحسب مبانی نظری ارائه شده تأمین کرد. بررسی مسائل مربوط به این حق با قوای فاهمه انسانی بر این دلالت دارد که همواره موضوعات عالم هستی نسبتی دیرینه با ادراک بشر دارد. این نسبت‌ها می‌توانند فضای معماری یا شهری را به وجود آورند. در هر فضا، ظاهر و باطن به هم آمیخته است و باطنی بدون ظاهر، یا ظاهری بدون باطن در نظر گرفته نمی‌شود. بر این اساس فضای معماری از دنیای معنا نشأت می‌گیرد و همین دنیای ذهنی است که به فضاها عینیت می‌بخشد و طراحی این مکان‌ها، مناظر و فضاها را تحت تأثیر خود در می‌آورد، اما تمامی این مناظر به وسیله کالدهای مادی قابل خوانش هستند، عوامل مادی در منظرهای شهری به انحای مختلفی حقوق شهروندی مخاطبان را احقاق می‌نماید که در مواجهه با شهروندان تجربه می‌گردند و می‌توانند به عنوان شاخص‌هایی برای بررسی حقوق شهروندی در منظر شهری مطرح گردند، در برخورد و مشاهده این مناظر، در ابتدای امر حال و هوای کلی شهر براساس عوامل کالبدی ادراک می‌گردد و سپس برخی کیفیات برآمده از کالبد نمایان است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱- ادراک حال و هوای فضای کلی شهر: بدین معنا که شهروندان با حضور در شهر و توجه به مناظر آن ویژگی‌های محلی را تصاحب کرده و فضای کلی و حال و هوای شهری را ادراک می‌نمایند، و می‌توان گفت که شهروند حس «این جا»ی ویژه‌ای یافته و به مفهومی فراتر از کالبد دست می‌یابد (شولتز، ۱۳۹۵). ۲- خوانایی: این کیفیت به وسیله عوامل مادی صورت گرفته و موجب توجه شهروندان بر یک عامل متمرکز می‌گردد، این عامل به عنوان «وضوح بصری» یا خوانایی مطرح می‌شود، غرض از خوانایی شناخت آسان اجزای شهری و تشکیل قالبی پیوسته از آن‌ها در ذهن شهروندان در جهت کسب آرامش است (لینچ، ۱۳۹۵). ۳- درهم تنیدگی: این کیفیت به وسیله اتصالات قوی در مناظر شهری، وجود قانونمندی کالبدی حاکم بر منظر، بها دادن به فضای خالی در سیمای شهر و پیوند قوی میان منظر و بستر آن شکل می‌گیرد، در هم تنیدگی کیفیتی برای به وجود آوردن کلیتی واحد در عین حفظ استقلال عوامل جزئی تر در مناظر شهری می‌باشد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴). ۴- نفوذپذیری: نفوذپذیری در سیمای شهری یعنی وجود بین ارتباط بیرون و درون ارجاع می‌گردد، (شولتز، ۱۳۹۵) این کیفیت عامل پیوند بین مناظر مختلف شهری شده و امکان تغییر و گوناگونی در مناظرهای شهری را در عین حفظ وحدت به وجود می‌آورد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۹۴).

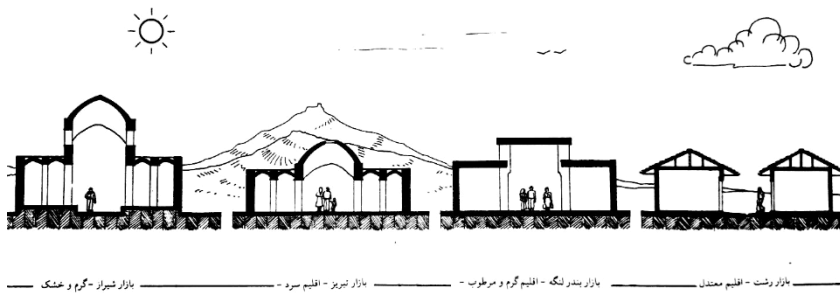
با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت حق آمد و شد آسان در فضاهای معماری و شهری (از جمله بازارها) با استفاده از چهار کیفیت کالبدی معرفی شده در نمودار ۵ حاصل خواهند شد.



نمودار ۵. کیفیات کالبدی برای احقاق حقوق آمد و شد آسان در فضاهای معماری و شهری

معماری بازار اسلامی-ایرانی

هر ساختمانی بازتاب ذهنی سازندگان و استفاده‌کنندگان از آن است و این ذهنیت به طور جدایی‌ناپذیری از آن ساختمان باقیست و تضمین‌کننده نهادی که در آن ساختمان پدید می‌آید. ساختمان و کالبد بازار علاوه بر تاثیرپذیری از رویدادهای تاریخی، با توجه به شرایط



جغرافیایی-فرهنگی شهر ساخته می-
شود، بدین ترتیب است که شکل و
حال و هوای محلی به خود می گیرد و
از بازارهای دیگر شهرها متمایز می شود
(جباری، ۱۳۷۹)، (تصویر ۱).
عوامل موثر در شکل گیری کالبد بازار
را به طور کلی به سه گروه می توان
تقسیم نمود:

الف) عوامل زمینه ای محیطی، تاریخی،
فرهنگی

ب) عوامل ساختاری

ج) عوامل کارکردی

هریک از عوامل فوق، در تعامل کامل با دیگر عامل ها عمل نموده نمی توان هر یک را به صورت مجزا تصور کرد، اما می توان از نظر علم
نظری، خصوصیات هر یک را بیان کرد.
الف) عوامل زمینه ای:

در گذشته عوامل محیطی چون توپوگرافی، آب، باد غالب و اقلیم، در شکل بافت شهرها و ترکیب معماری بازارها نقش عمده ای داشته
است، به عنوان نمونه همانطور که در تصویر ۱ مشخص شده است عوامل مختلف اقلیمی در شکل دهی به کالبد بازار موثر است. در ارتباط
با زمینه تاریخی هم باید گفت که بازارها در شرایط مساعد و با وجود حکمرانان قدرتمند در بستر امن اجتماعی و تبادلات اقتصادی بوجود
می آمدند و به تناسب امکانات فنی و مالی موجود، ارتقا کمی و کیفی می یافتند. مسئله فرهنگ عامل دیگر می باشد که بواسطه حضور
شهروندان در بازار موجودیت پیدا می کند، به این معنا که شهروندان و کیفیت تعامل اجتماعی آن ها با یکدیگر حامل مولفه های فرهنگیست
و مردم توسط فرهنگ یعنی مجموعه ارزش ها و باورها و جهان بینی، نظام های نمادی مشترک با محیط خود (مانند بازار) تعامل می یابند
(ترابی، ۱۳۸۴).

ب) عوامل ساختاری:

کلیه عواملی که منشعب از نیروهای داخلی موثر در ساخت و ساز هستند را می توان جز عناصر ساختاری تاثیر گذار در شکل گیری کالبد
دانست. نوع و ویژگی های خاص مصالح مصرفی، تکنولوژی های رایج تجهیزات و امکانات موجود و همچنین استادکاران و متخصصینی که
در مراحل انجام کار دخالت دارند از جمله این عوامل هستند.

ج) عوامل کارکردی:

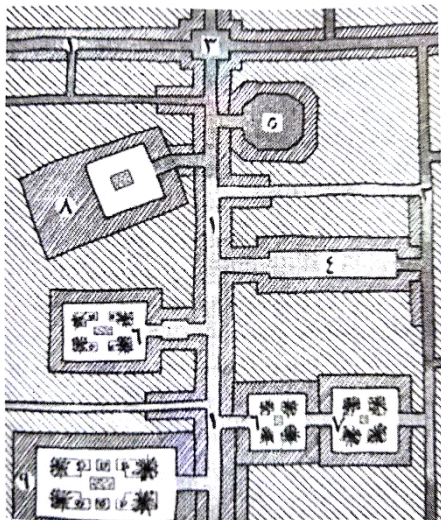
مورفولوژی بازارهای سنتی تا حد زیادی وابسته به خصیصه های کارکردی آن است، در بازارها بسته به حوزه نفوذ و وسعت عملکرد خود
متفاوت اند و این امر تاثیر مستقیم بر شکل کالبد آن ها دارد. مثلاً بازارهای محله ای که تنها به محله خود، خدمات ارائه می دهند به لحاظ
کالبدی با بازارهای بزرگ متفاوت اند (قبادیان، ۱۳۹۳).

معماری بازارها شایان توجه و بررسی است. به طور کلی بازارها یا سرپوشیده اند و یا سرباز برخی بازارها همچون میدانی پهن با دار و درخت
هستند مانند میدان نقش جهان یا میدان گنجعلی خان کرمان، و بسیاری بازارها همچون گذرگاهی سرپوشیده هستند. هر دکان دارای یک
سکو در پیشگاه خود است. گاه دکان دارای یک نیم اشکوب است سکوی دکان تا ته آن نبوده و پشت سکو معمولاً یک پاچال داشته است.
شاید نمونه آن در قیصریه یزد هنوز یافت شود. خریدار روی سکو و دکان دار هم بر کف دکان که بلندتر از کف بازار بوده می نشست و هرگاه
میخواست بلند شود، چنگکی از آسمانه آویزان بوده و او زنجیر آن را می گرفته و بلند می شده است. در دکان هایی که پاچال داشتند،
دکان دار توی دکان می ایستاد در سده گذشته همه سکوها را ویران کردند و دکان را همکف زمین نمودند فرش کف بازار به دو گونه طبیعی

و یا تخته سنگ بوده است. نمونه آن بازارچه بلند اصفهان است. معماری دکان‌ها وابسته به پیشه و کالایی بود که در آن به فروش می‌رسید. برخی دکان‌ها به پستو نیاز داشتند. پستو گاه دو اشکوب داشت این گونه دکان‌ها به درد کارهایی می‌خوردند که به کارگاه نیاز داشتند مانند دکان کفش دوزی و یا دوزندگی. نمونه های آن اکنون در کرمان دیده می‌شود. گاه دکان، دارای دهانه‌ای رو به بازار بود و پستوی بزرگی داشت که در پس چند دکان جای گرفته بود مانند دکان نانواپی و شیرینی‌پزی که نیاز به جایی برای انبار و پخت و آماده‌سازی داشتند و کارگاه آن‌ها به دکان راه داشت (پیرنیا، ۱۳۹۵). اندام‌های گوناگون بازار عبارتند از راسته که اصلی‌ترین اندام بازار، رسته، دالان، سرا یا خان، خانبار (که انبار کالا) بوده، تیم و تیمچه، قیصریه، دکان و ساختمان‌هایی که نیاز بازاریان بوده است (مانند خوراک‌پزخانه و مسجدهای کوچک، گرمابه و مانند آن) و نیز قهوه‌خانه، شربت‌خانه و چایخانه (تصویر ۲)، (پیرنیا، ۱۳۹۵).

(۱) **راسته:** راسته‌ها گذرهای بنیادین بازارها هستند، که گاه همراستا و گاهی ناهمراستا هستند، از تقاطع دو راسته اصلی چهارسو یا چهارسوق ساخته می‌شود. در اکثر بازارهای سنتی، راسته‌های اصلی در یک صنف مشترک فعالیت می‌کردند (رسته مشترک شغلی)، این امر دسترسی آسان به یک نوع بخصوص از کالا را فراهم کرده و با ایجاد بازار رقابتی، قیمت‌های عرضه را مدیریت می‌نمود.

(۲) **دالان‌ها:** در بازار اصنافی هستند که برخی کالاهای هم رده را در گذری فرعی ارائه می‌کنند (مانند نوشت ابزارها)، این گذر فرعی که دالان نامیده می‌شود، جایی از راسته اصلی شروع شده و با چرخشی دوباره به راسته برمی‌گردد.



تصویر ۲. اندام‌های یک بازار اسلامی - ایرانی،

شامل: ۱- راسته اصلی، ۲- راسته فرعی، ۳-

چهارسوق، ۴- دالان، ۵- تیمچه، ۶- سرا یا

خان، ۷- خانبار، ۸- مسجد، ۹- مدرسه. ماخذ:

پیرنیا، ۱۳۹۵.

(۳) **سرا یا خان:** بیشتر سراها یا خان‌ها فضایی متشکل از یک میانسرا و چند دکان پیرامون آن هستند که مختص به عرضه کالاها به صورت کلی هستند.

(۴) **خانبار یا کالنبار:** این فضا به جهت انبار کردن یک یا چند کالا بوده است، کالاهایی که با چهارپایان یا گاری و امثالهم به بازار می‌رسیدند، نمی‌بایست حتی با چرخ یا زنبه وارد راسته‌های اصلی شوند (مزاحمت برای عبور و مرور مردم داشتند) و از طریق پس‌کوچه یا پشت‌کوچه قابل دسترسی بوده‌اند.

(۵) **تیم و تیمچه:** تیم یا تیمچه سرای بزرگ مسقفی است که دارای چندین دفتر بازرگانی برای فروش کالاهای همانند هستند.

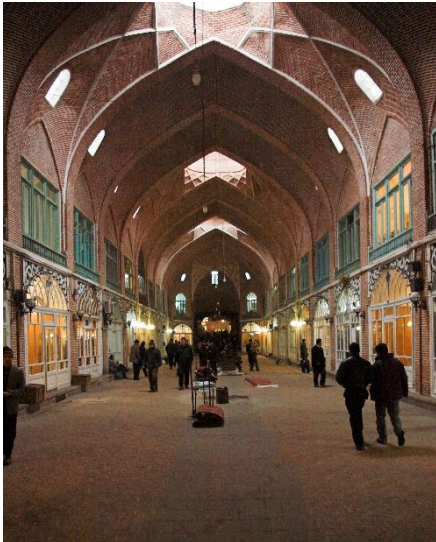
(۶) **چهارسوق:** از تقاطع دو راسته اصلی فضایی بلند پدید و چهارراهی حرکتی به وجود می‌آید که چهارسو یا چهارسوق نامیده می‌شد.

(۷) **قیصریه:** هرگاه چهارسو اختصاص به عرضه کالایی ظریف یا گران‌بها مانند زر و سیم و جواهر یا کریستال و ابریشم بود، قیصریه خوانده می‌شد.

(۸) **دکان:** محل عرضه کالا به مراجعین بازار بود، دکان‌ها عناصر سازنده دو سمت اصلی راسته‌ها بودند، معمولاً فضای آن‌ها به وسیله سکویی از راسته اصلی جدا می‌شد، این امر باعث می‌شد حد و حدود دکان مشخص شده و کاسب از حدود خویش برای چیدن کالاها تجاوز نکند (پیرنیا، ۱۳۹۵).

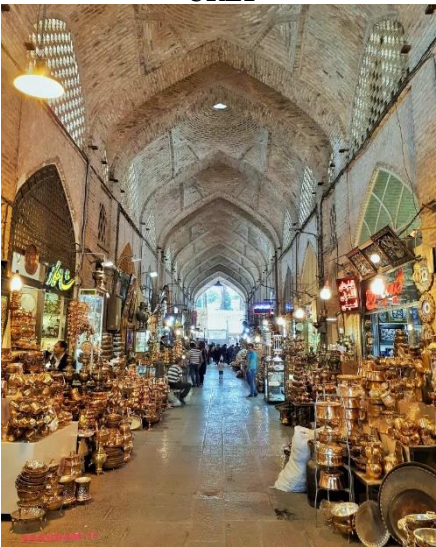
مسقف بودن بازار امری مهم در تسهیل امور این مکان است. تماشا و خرید کالاها

در گرمای شیراز و سرمای تبریز برای هیچ خریدار مشتافی دلپذیر نمی‌باشد. پوشش بازار علاوه بر محافظت فیزیکی مردم در مقابل عوامل جوی، فضایی محصور در مقیاس انسانی و مطبوع جهت تبادل کالا و قرار گرفتن در متن فعالیت‌های گوناگون بازار را فراهم می‌آورد. پوشش بازار در ساده‌ترین شکل با چوب و حصیر و به شکل مستطی می‌باشد و در دهانه‌های بزرگ مصالحی چون آجر، گچ و سنگ و آهک پوشش‌های گنبدی شکل را تشکیل می‌دهند. لازم بذکر است که پوشش گنبدی و استفاده از قوس و فرم‌های منحنی در سقف، استعارات و مفاهیم متعدد دیگری نیز در ادبیات کهن ایران دارد (تصویر ۳)، (از جمله وحدت در عین کثرت، هماهنگی، ریتم و دیگر کیفیات مشابه).



تصویر ۳. عناصر کف و جداره بازار فرش تبریز، به نظر می‌رسد مصالح کف باید با دوام و در هماهنگی با کاربری و اقلیم باشد. ماخذ:

URL1



تصویر ۴. عناصر کالبدی سقف در بازار سنتی اصفهان علاوه بر پوشش فیزیکی بازار، کیفیات معنای را هم به وجود آورده‌اند. ماخذ: URL1

مستقیمی ندارند و در تاریکی‌اند؛ اما گذرها و راسته‌های بازار با نورگیری از سقف در حالت نیمه تاریکند در این بین، تسلسل هرمی نور تابشی سقف، میل به حرکت را تشویق می‌کند هنگام حرکت در فضای تاریک روشن شخص به ناگاه با فضایی نیمه روشن مواجه می‌شود که خود دلالت بر رویدادی دیگر و وجود فضاهایی روشن در ورای آن‌هاست.

در راسته‌های اصلی بازار، معمولاً از بهترین مصالح بومی در سنگ‌فرش و آجرکاری و تزئینات طاق و دیوار و همچنین درها و پنجره‌های چوبی در حجره‌ها استفاده می‌شود. فضاهای پر و خالی بازار از ویژگی‌های مهم معماری بازارهای شهری ایران تناسب شگفت‌انگیز فضاهای پر و خالی و فضاهای باز و بسته در کل پیکره بازار می‌باشد. بزرگترین فضای خالی درون بازار سراها، تیمچه‌ها و تکیه‌ها هستند که در امتداد حجم باریک گذرهای بازار، یکباره گشودگی مطلوبی را در فضا پدید می‌آورند و مردمی که برای خرید و گذران اوقات فراغت از فضاهای متنوع بازار عبور می‌کنند به راحتی از فضایی به فضای دیگر وارد می‌شوند (نفوذپذیری).

ویژگی دیگر بازارهای شهری ایران پیاده‌راهی سر پوشیده است که مغازه‌ها در دو سوی آن، کالاهای خود را عرضه می‌کنند. مسیرهای پیاده بازارگاهی از میان صحن مساجد و فضای خالی داخل تکیه‌ها عبور می‌کند و به این ترتیب عابر پیاده، قیل و قال تجاری را با حال و هوای مذهبی همزمان تجربه می‌کند. علاوه بر این ارتباط چهره به چهره در این فضای پیاده، روابط اجتماعی بین مردم را گرم‌تر می‌کند (سعیدنیا، ۱۳۸۸). تزئینات بازار در معماری ایران، زیبایی چیزی نیست جز توازن و تعادل اعضا متناسب بنا و به کار گرفتن تزئین‌هایی که از بنا مایه می‌گیرد و به شکلی منطقی عرضه می‌شود. به عبارت دیگر به «بنایی که با تزئین تحمیلی» آمیخته باشد زیبا نمی‌گویند، بلکه بنایی درخور تحسین است که ارتفاعش خوشایند دید باشد و خطوط اصلیش تزئینی مناسب داشته باشد، از جمله این تزئینات می‌توان به کاربردی، یزدی‌بندی و مقرنس‌کاری اشاره کرد (بی‌نام، ۱۳۸۵).

در بازارها نیز به جز گره‌های اصلی که بسته به اهمیت بازار گاه‌ها تزئینات قابل توجهی از مقرنس و ... در آن‌ها دیده می‌شود، طاق‌های گنبدی شکل با شبکه‌های نورگیر و طرح‌های هندسی ساده که اکثراً بدون تزئینات خیره‌کننده آجری با کاشیکاری و معرق هستند، زیبایی بازار را چندین برابر می‌کنند (تصویر ۴)، (جباری، ۱۳۷۹). راسته بازار دارای نظم مشخص در سطح، ارتفاع و الگوی منظمی در ساختار و شکل ظاهری می‌باشد، هندسه آن بیش از هر چیز از تداوم و ریتم بهره می‌گیرد؛ به این ترتیب که دکان‌ها با ریتمی مشخص و ثابت در پی هم قرار می‌گیرند و در تداوم این ریتم، تغییری در کالبد فضایی می‌دهند، این تغییر می‌تواند وجود یک کاروانسرا، مسجد، آب انبار و یا هر عنصر دیگری باشد (تصویر ۵)، (پوراحمد، ۱۳۷۴).

نورگیری فضاهای مختلف آن را دارای کیفیت ویژه‌ای نموده است بطوری‌که دکان‌ها و جرم‌ها هیچ منبع نور



تصویر ۵. شکست ریتم بازار به وسیله درآیگاه ورودی مساجد. ماخذ: URL2

این فضاهای نیمه روشن که فضاهای واسط به بناهای پیرامونی هستند با دعوت از شخص حس نزدیک شدن به این فضاها را تقویت می کنند. فضاهای روشن، حیاط عناصر پیرامونی و یا معابر مسکونی هستند که بواسطه آن ها خروج از بافت بازار ممکن می شود. به این ترتیب است که شدت نور و نحوه تابش آن چگونگی و نوع فضا را در بازار تعیین می بخشد و قرارگیری انواع فضاها را در کنار هم انتظام می دهد (بهزادفر، ۱۳۸۸).

مجموعه حرکت طاق و طاق نماها در ترکیب با ریتم عبور نور طبیعی از سقف و جدار بالایی پوشش ها، سبب القای حرکتی موزون در بازار می شود. در فضاهایی هم که نور موضعی به کار گرفته شده، چون نور فضا یکدست نیست در اغلب اوقات مسیر نور دیده می شود این مسیر در ساعات مختلف روز جابجا می شود و گاه بر زمین و گاه بر دیوارها می تابد. به این ترتیب در چنین فضایی نور حضور ملموسی دارد و فقط به عنوان وسیله ای که فضا را روشن می کند به کار گرفته نشده است (جباری، ۱۳۷۹).

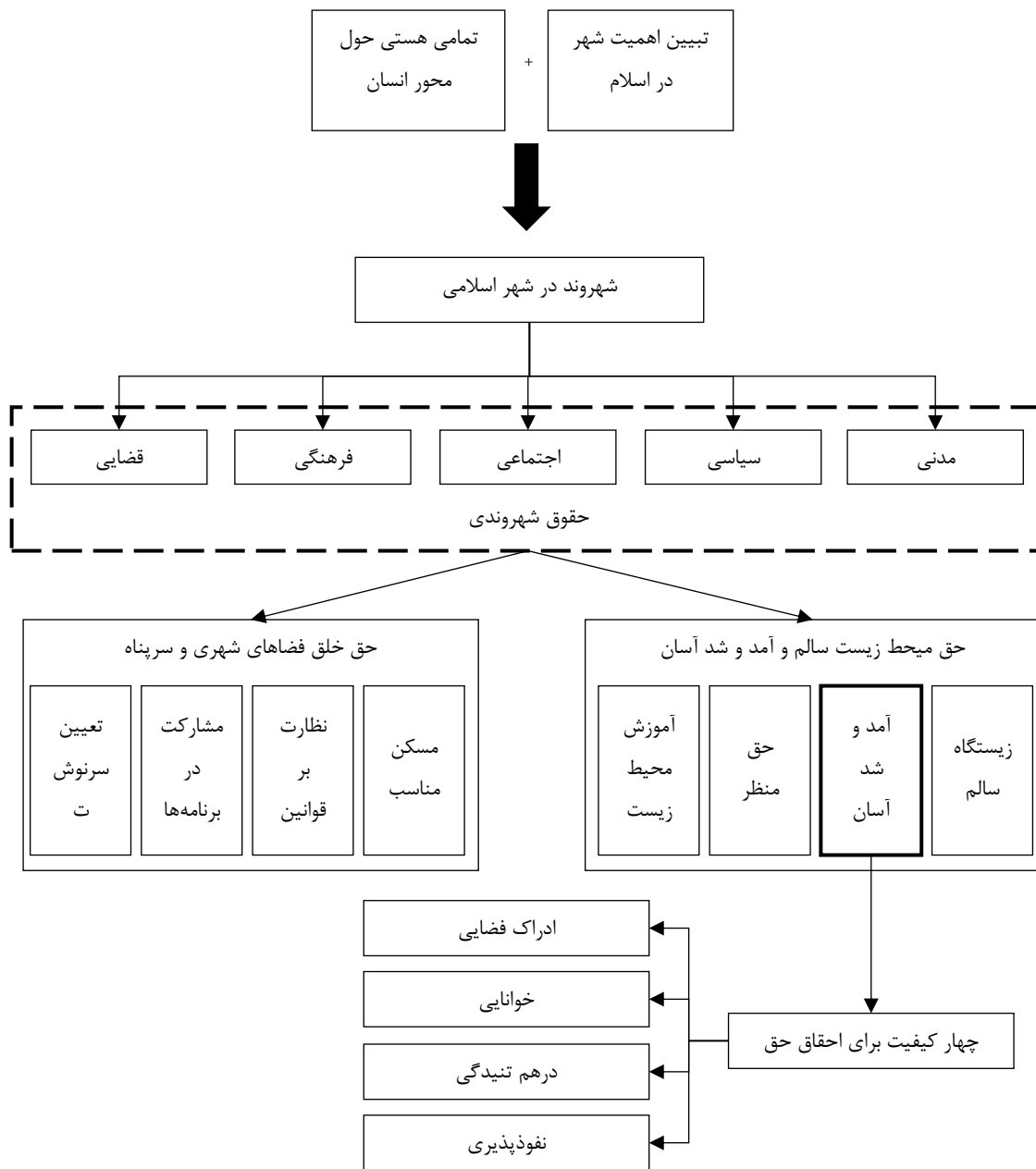
راه حل های آکوستیکی جهت تنظیم صدا و جلوگیری از طنین هایی نامناسب در معماری فضاهای بازار به صورت مختلف ارائه شده است، ایجاد انواع سقف های کاذب (به صورت خوانچه پوش، کاربندی، یزدی بندی، مقرنس سازی و...) علاوه بر عملکردهای خاص خود در ایجاد نوعی آکوستیک نقش عمده ای دارند این پوشش های سقف چه در صورتی که به عنوان سقف کاذبند و چه به خاطر شکست های متنوع حجمی که در پوشش ایجاد کرده اند به عنوان جاذب طنین اصوات به شکلی موثر در بنا عمل می کنند (جباری، ۱۳۷۹).

بحث و بررسی در نحوه احقاق حقوق شهروندان در بازارهای اسلامی-ایرانی

همان گونه که بیان شد، حقوق شهروندی در جامعه ایرانی، پدیده ای نوظهور و معاصر نیست، بلکه بلندایی به سابقه ظهور دین اسلام و گسترش مبانی آن به واسطه منابع برآمده از اصول اسلامی است، یکی از مهم ترین اندیشمندان مسلمان ایرانی که به مباحث حقوق شهروندی پرداخته، «ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلغ» معروف به فارابی (معلم ثانی) است. حقوقی که سرچشمه از منابع قرآنی داشته و برای شهروندان مسلمان دوگانه «حق و تکلیف» را تعیین می کند، بر مبنای همین حقوق است که می توان حق الهی را نیز پاسداشت، یعنی حق الله به شرطی احقاق می گردد که حق الناس پاس شده باشد. بنابراین حق انسان ها به عنوان اشرف مخلوقات الهی جایگاهی مهم دارد، با توجه به اینکه حق انسان مهم است، پس محیط زندگی او نیز اهمیت وافری دارد، چون «معماری و شهرسازی ظرف زندگی انسان است». انسانی که در تمدن و شهر زندگی می کند از حقوقی تحت عنوان حق شهروندی برخوردار خواهد بود. این حقوق مباحث مختلفی از جمله حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی، حقوق اجتماعی-اقتصادی و حقوق قضائی را مشمول می گردد. هر کدام از این حقوق برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان و آرامش آن ها ایجاد شده است (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۶). آرامش به طرق گوناگون برای مخاطبان شهر ایجاد می گردد، یکی از راهکارهای ایجاد آرامش در شهروندان توجه به حق آمد و شد آسان در شهر ایرانی-اسلامی می باشد. با بررسی های صورت گرفته، به نظر می رسد می توان این حق را با ارائه برخی کیفیات در فضاهای شهری احقاق نمود، این کیفیات شامل ادراک، خوانایی، درهم تنیدگی و نفوذپذیری هستند (نمودار ۶).

از طرفی با توجه به اینکه بازار به عنوان یکی از مهم ترین عناصر معماری در شهر اسلامی-ایرانی معرفی می شود، می توان بستری برای خوانش انواع کیفیات کالبدی در راستای احقاق حقوق شهروندی باشد، این فضا پذیرای اکثر شهروندان و مسافران برای اغنای نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی عبادی شان است. بنابراین می تواند در چارچوب احقاق حق آمد و شد آسان مورد تدقیق قرار گیرد. با وجود اینکه عوامل مختلفی (مانند عوامل زمینه ای، فرهنگی، تاریخی، اقلیمی، ساختاری و یا کارکردی) در شکل گیری بازار موثر هستند، اما بازارهای اسلامی-ایرانی همواره از یک ساختار اصیل پیروی کرده اند و عوامل مذکور فقط در ترجمان کالبدی آن تفاوت داشته است. یعنی وجود راسته های مختلف در بازار ایرانی امری بدیهی بوده، فقط ترجمان کالبدی آن (مانند شکل و ظاهر، مسقف بودن یا بدون سقف بودن و امثالهم) دستخوش تغییرات می شده است.

همانگونه که بیان شده، کوچک ترین واحد فضایی بازار دکان نام دارد، این فضا محل عرضه کالاهای مختلفی به ارباب رجوع بازار بوده است، مطابق با نوشته های کهن این فضا حدود نیم گز از کف بازار مرتفع تر بوده و دکان دار روی آن می نشست، وجود پاچال نیز دکان را از ساخت



نمودار ۶. حق آمد و شد آسان یکی از راهبردهای احقاق حقوق شهروندی در معماری و شهرسازی اسلامی-ایرانی

سکوی مرتفع بی‌نیاز نمی‌ساخته است، این امر به خودی خود موجب آن بوده که حریم فیزیکی دکان برای چینش کالاها تعیین شود (پیرنیا، ۱۳۹۵)، پس می‌توان چنین استنباط کرد که وجود سکو در راستای احقاق حقوق عابران مراجعه‌کننده به بازار بوده است. همچنین بیان شد که بازار ایرانی ساختارهای کالبدی مختلفی داشته، قرارگیری دکان‌ها در اطراف یک مسیر مشخص، موجب ایجاد فضایی تحت عنوان راسته اصلی یا فرعی می‌شده است، در هر راسته نیز به حسب نیاز کالایی مشترک ارائه می‌شد، بنابراین مشتری هر کالا به راسته مد نظر خویش مراجعه کرده و نیازی به جستجوی تمام بازار و «آمد و شد» زیاد در فضاهای مختلف آن ندارد، پس می‌توان گفت عرضه کالاها مشابه در یک رسته، خود نمودی از احقاق حق آمد و شد آسان مراجعین به بازار است. وجود سراها و تیمچه‌ها برای عرضه عمده کالاها مختلف نیز، از ازدحام جمعیت در فضاهای بازار جلوگیری می‌نماید، به صورتی که بر حسب حجم خرید مشتریان، فضاهای فضای معاملاتی خرد و کلان جدا شده و از تداخل «آمد و شد» جلوگیری می‌شود.

بازارهای اسلامی مطابق با رسته‌های مختلف اجناس و کالاهای مختلفی را ارائه می‌نمایند، این عرصه‌بندی باعث ادراک بهتر فضایی و خوانایی رسته‌های مختلف می‌شود، همچنین با احداث بناهایی مانند مسجد، مدرسه، آب‌انبار و ... خوانایی هر راسته و ادراک موقعیت فضایی افراد در همان راسته بخصوص به صورت بهتری تامین می‌شود، مثلاً فرد با بررسی جایگاه درآیگاه مسجد، می‌تواند در مقیاسی کوچک‌تر از کل بازار، جایگاه خویش را در راسته‌ها تعریف نماید (از طریق دوری یا نزدیکی به سردر مسجد). وجود فضاهایی مانند دالان‌ها نیز می‌تواند به خوانایی بیشتر فضای بازار کمک کند، علاوه بر این، وجود راسته‌های فرعی و دالان‌ها نقش موثری بر نفوذپذیری بازار و جلوگیری از «آمد و شد»‌های طولانی دارند.

از طرف دیگر، وجود خانبار به عنوان فضایی وابسته به بازار، موجب شده که جابجایی کالاهای گسترده و حجیم در فضاهای اصلی بازار صورت نپذیرد، بلکه از طریق پس‌کوچه‌ها و معابر پشتی بارها جابجا گردند، این امر نیز ناشی از توجه طراحان فضای بازار به حق آمد و شد آسان در آن است. بنابراین می‌توان گفت که وجود فضاهای مختلف در بازار اسلامی-ایرانی علاوه بر اینکه از نظر کارکردی و عملکردی در خدمت فضاهای اصلی است، همزمان کیفیاتی مانند خوانایی، نفوذپذیری، درهمتنیدگی را ایجاد کرده تا فضایی به صورت کلیتی واحد اما بهره‌مند از جزئیات متناسب ادراک گردد. در جدول ۲ می‌توان خلاصه‌ای از مهم‌ترین کالدها و نقش آن‌ها در ارائه کیفیات موثر بر احقاق حق آمد و شد آسان را مشاهده کرد.

جدول ۲. نحوه تجلی کیفیات موثر بر احقاق حق آمد و شد آسان در کالبد بازار

کالبد	نحوه احقاق حق آمد و شد آسان
سکوی داخل دکان	ایجاد حریم برای کاسب و جلوگیری از چپش اجناس در معابر راسته‌های بازار، جلوگیری از سد معبر عابران
رسته‌بندی راسته‌ها	تعریف فضاهای مشترک تجاری، جلوگیری از آمد و شد بی‌پرده مشتریان در راسته‌های مختلف بازار
ایجاد فضاهای خان و تیمچه	جداسازی مشتریان بر حسب حجم خرید و جابجایی کالا، جلوگیری از تداخل جابجایی بار با مقیاس بزرگ در سطح بازار توسط مشتریان، احقاق حق آمد و شد آسان در راسته‌ها
ایجاد فضای خانبار	جلوگیری از جابجایی بارهای حجیم و سنگین در راسته‌های اصلی توسط بازاریان، جابجایی در معابر پس‌کوچه یا پشت‌کوچه، احقاق حق آمد و شد آسان
وجود رسته‌های مختلف	ایجاد ادراک فضایی از بازار و خوانایی راسته‌های مجاور و مقابل به واسطه رسته‌بندی‌ها
احداث بناهای ویژه مانند مسجد، مدرسه، آب‌انبار و ...	ایجاد خوانایی در سطح راسته جهت ادراک فضایی درون راسته (مقیاس کوچک‌تر از کل بازار)
احداث راسته‌های فرعی و دالان‌ها	فراهم کردن نفوذپذیری بازار برای جلوگیری از آمد و شدهای طولانی در معابر آن، ایجاد خوانایی در بازار
پیوستگی در بازار و عدم وجود فضای خالی	فراهم کردن درهمتنیدگی فضاهای مختلف بازار در راستای حق آمد و شد آسان

نتیجه‌گیری

مطابق با مطالب پیشین، هدف این مقاله بررسی خوانش مفاهیم حقوق شهروندی با تاکید بر حق آمد و شد آسان در ساختار بازارهای اسلامی-ایران اعلام شد، برای دستیابی به این هدف ضروری بود منابع دینی موکد بر حقوق شهروندی و مواد قانونی آن در دوران معاصر بررسی شود، تا با کمک آن بتوان راهکاری احقاق حقوق شهروندان در فضاهای مختلف از جمله بازار را تبیین نمود. مطابق با بررسی‌های مرحله اول پژوهش مشخص گردید که مفهوم حقوق شهروندی سابقه‌ای طولانی در جامعه ایرانی داشته و مفاهیم گسترده‌ای از آن قابل خوانش و استنباط است. این مفاهیم، ابوابی از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی را شامل می‌شود. با توجه به اینکه این پژوهش در پی بررسی معماری به عنوان یک هنر اجتماعی بود، با تمرکز بر باب اجتماع حقوق شهروندی سعی در بررسی احقاق یکی از حقوق اجتماعی حق شهروندی یعنی «حق آمد و شد آسان» در ساختارهای معماری داشت. پس در مرحله دوم پژوهش با انتخاب بازار به عنوان تعاملی‌ترین فضای اجتماعی در شهر اسلامی-ایرانی، سعی در شناسایی ساختارهای آن گردید، براساس یافته‌های مرحله دوم

مشخص شد بازار اسلامی-ایرانی دارای ریزفضاهای مختلفی هستند که از نظر عملکردی و کاربردی تعاریف روشنی را ارائه می نمایند، اما در مقیاس های مختلف و به طرق گوناگون سعی در ارائه چهار کیفیت اساسی شامل ادراک فضایی، خوانایی، نفوذپذیری و درهم تنیدگی دارند، تا با کمک آن کیفیات بتوان از حق آمد و شد آسان مشتریان بازار دفاع نمود. علاوه بر این هرفضا (مثل دکان) دارای کیفیات فضایی خصوصی است که از سد معبر عابران جلوگیری نموده تا حق رفت و آمد ایشان تضییع نگردد. لازم به ذکر است که در معماری بازار اسلامی-ایرانی، هرفضا به صورت توأمان چند کیفیت مختلف مانند خوانایی یا نفوذپذیری را ارائه داده و عملکرد معنایی چندگانه ای دارد، چیزی که از آن در معماری سنتی اسلامی-ایرانی به عنوان «سامانه فراگیر» یاد می شود.

- منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدیان، محمد، حقوق شهروندی در اسلام، مجله اصلاح، شماره ۶۳، ۱۳۸۶، ۱۴-۲۶.

اردبیلی، محمدعلی، اقتراح: چپستی و چرایی حقوق شهروندی از نظریه قانون. مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶، ۲۴-۴۴.

بمانیان، محمدرضا، ارجمندی، سحر و علی محمدی، فرزانه، تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایه عدل در طراحی مسکن (نمونه موردی: سه مورد از خانه های ایرانی- اسلامی)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۹۲، ۸۹-۱۰۰.

بهزادفر، مصطفی، نقش و کارکرد اجتماعی بازارهای سنتی شهرهای ایران، آبادی، شماره ۶۴، ۱۳۸۸، ۱۴-۲۰.

جباری، مینا، ۱۳۷۹، همیشه بازار، تهران، انتشارات آگاه.

پوراحمد، احمد، ۱۳۷۴، جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان، کرمان، انتشارات مرکز کرمان شناسی.

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۹۵، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مولف.

ترابی، مرضیه، مفهوم شهر، اندیشه ایرانشهر، شماره ۶، ۱۳۸۴، ۱۸-۲۶.

حمزه لوئی، حسن، ماهیت حقوق شهروندی و سابقه آن در ایران، همایش ملی نظارت قضایی و حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران، کرمانشاه، ایران، آبان ۱۳۹۰.

دستمالچیان، احمد، ۱۳۹۰، کلیاتی راجع به حقوق شهروندی، وزارت کشور، اداره صیانت از حقوق شهروندی، بخشنامه های اداره صیانت از حقوق شهروندی.

شولتز، کریستین نوربرگ، ۱۳۹۵، مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود یاراحمدی، تهران، نشر آگه.

قاسمی اصفهانی، مروارید، ۱۳۹۴، اهل کجا هستیم، (هویت بخشی به بافت های مسکونی)، تهران، انتشارات روزنه.

قبادیان، وحید، ۱۳۹۳، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

کریمی، عباس، کامیار، غلامرضا، ۱۳۹۶، حقوق شهروندی در قلمرو شهرنشینی، تهران، نشر دادگستر.

لینچ، کوین، ۱۳۹۵، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

متروپولسکی، دی.کی، زوبریتسکی، ولادمیر، کروف، ول، ۱۳۸۳، زمینه تکامل اجتماعی، ترجمه علی افشاری، ناصر زرافشان، تهران، نشر آگه.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، حماسه حسینی، تهران، نشر صدرا.

منشور حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۹۴.

منوچهر طباطبائی موتمنی، ۱۳۹۷، حقوق اداری، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

نجاتی حسینی، سید محمود، توسلی، غلام عباس، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. نشریه جامعه شناسی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۳، ۳۲-۶۲.

نقی زاده، محمد، ۱۳۸۵، شهرسازی معماری اسلامی (مبانی نظری)، اصفهان، انتشارات سازمان نظام مهندسی اصفهان.

Barker, David and Padfield, Colin, (2002) Law Made Simple, 11th ed., Elsevier, Great Britain.

Graig, Paul, EU Larv. (2003). 3rd ed. Oxford University Press, New York.

Martin, Elizabeth A. (1977), Oxford Dictionary of Laiv, forth Ed., Oxford, Oxford University Press.

Turner, Bryan. (2001). Handbook of Citizenship Studies. London: Sage.

Zweigert K. & Kotz H. (1998), An Introduction to Comparative Law, 310. ed. Clarendon Press, Oxford.

URL1: <https://fa.wikipedia.org>

URL2: <https://fa.tripyar.com/>

Realization of citizenship rights in the structure of Islamic-Iranian Bazar with emphasis on the right of easy movement

Razieh Labibzadeh

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Citizen's rights are one of the topics that have been introduced as a new concept in recent decades, but by examining some examples of Islamic-Iranian architecture, it can be concluded that "paying to the rights of citizens" is always the opinion of traditional Iranian architects. Therefore, the aim of the upcoming article is a comparative reading of the concepts of citizenship rights with an emphasis on the "right to easy movement" in the "overall structure" of traditional Islamic-Iranian bazaars. In order to achieve this goal, in the first stage, using the content analysis method, citizenship rights and strategies for their realization have been determined, and in the second stage, the general structures of Islamic-Iranian markets have been verified using the case study method, in the third stage of the research, using From the method of logical reasoning, the physical strategies of realizing the rights of citizens in the structure of the markets have been deduced and introduced. Based on the findings of the specific research, attention to citizenship rights in the Islamic society of Iran has a long history, in the way that Farabi (Molem Sani) has compiled written foundations for it in his works, but in the contemporary era, the foundations of citizenship rights are broader topics. It includes social, cultural, economic, political chapters and the like, among them, "the right to come and go" as one of the social-citizen's qualitative rights including spatial perception, legibility, permeability and entanglement for the urban space. It shows that these qualities provide an important part of the right of easy movement in architectural and urban spaces. According to the findings of the second and third stages, it was found that the expansion of Islamic-Iranian market spaces and its spatial definitions, in addition to envisaging specific functions and functions, has caused the aforementioned four qualities to be manifested in the market space and become customers. to facilitate the market.

Keywords: The right of citizenship, the right of easy movement, bazaar, Islamic-Iranian architecture